

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۷، پاییز ۱۴۰۲، صص ۲۹۳-۳۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1949871.2413](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1949871.2413)

واکاوی مسائل زنان شاهنامه در خانواده‌های مادرسرپرست

پشنگ دلاوری^۱، دکتر مهدی کارگر^۲، دکتر خسرو جلیلی کهنه شهری^۳، دکتر بهرام خشنودی^۴

چکیده

در شاهنامه فردوسی خانواده‌های زیادی به همراه فرزندان خود حضور دارند که برخی از آن‌ها به دلیل نبود پدر، جزو خانواده‌های مادرسرپرست به‌شمار می‌روند. حضور این خانواده‌ها در داستان‌های شاهنامه، علی‌رغم اسطوره‌ای، پهلوانی و یا تاریخی بودن آن‌ها، زمینه‌ای مناسب برای مطالعات میان‌رشته‌ای جهت شناسایی و ریشه‌یابی مسائل و مشکلات این‌گونه خانواده‌ها فراهم ساخته است. پژوهش حاضر با شناسایی این فرصت، سعی کرده است با استفاده از روش تحقیق کیفی و تحلیل داده‌ها به روش توصیف فراوانی و فراوانی درصدی از نوع تاریخی، ضمن معرفی خانواده‌های مادرسرپرست در شاهنامه به این پرسش که چه تعداد از خانواده‌های مادرسرپرست در زندگی با شکست مواجه شده‌اند و علل و عوامل این شکست چه بوده‌است، پاسخ دهد. نتیجه این بررسی نشان داد تعداد خانواده‌های مادرسرپرست در شاهنامه با فراوانی ۱۱/۷۶٪، با گزارشی که مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ از تعداد خانواده‌های مادرسرپرست ارائه داده (۱۲٪) نزدیکی معناداری دارد. همچنین مشخص شد خانواده‌هایی که توسط پدر طرد و یا ترک شده بودند بیشتر از خانواده‌هایی که با مرگ پدر مواجه شده بودند دچار آسیب شده‌اند. از عوامل دیگر شکست در خانواده‌های مادر سرپرست، «ازدواج مجدد مادر و فرزندآوری او از همسر دوم» و نیز «نبودن مادر در کنار فرزند و عدم حمایت او از فرزند» شناسایی شد.

واژگان کلیدی: مادرسرپرست، خانواده، شاهنامه، فرزند، میان‌رشته‌ای.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران.

Pashing.delavari@gmail.com

^۲ استادیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران.

Ma.kargar@iau-astara.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران. (نویسنده مسؤول)

Kh.Jalili@iau.ac.ir

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آستارا، دانشگاه آزاد اسلامی، آستارا، ایران.

b.khooshnodi@iau-astara.ac.ir



مقدمه

ادبیات از جهت موضوعی، قلمرو وسیعی را دربر می‌گیرد و با دانش‌های متعددی در ارتباط است. از آن جهت که ادبیات با سایر علوم از قبیل سیاست تاریخ زبانشناسی جامعه‌شناسی روانشناسی مطالعات زنان مطالعات فرهنگی و فلسفه نوعی رابطه ناگسستنی دارد.

۴۴۴

رشته جامعه‌شناسی با توجه به گستره وسیع آن در ادبیات فارسی همواره بیش از سایر رشته‌ها مورد توجه پژوهشگران در این دو حوزه بوده است. ادبیات با توجه به ماهیت آن درباره مسائل مختلف بحث می‌کند از قبیل زندگی، جوانی، پیری، مرگ، عشق، و ... خانواده نیز یکی از مسائل مورد بحث ادبیات است و در طول تاریخ حضور گسترده آن در متون ادبی قابل انکار نیست.

خانواده از دو رکن اصلی پدر و مادر و عموماً با انگیزه داشتن فرزند (یا فرزندان) تشکیل می‌شود. هرگاه یکی از دو رکن اصلی خانواده به هر دلیلی در خانواده حضور نداشته باشد به آن خانواده، اصطلاحاً خانواده تک سرپرست اطلاق می‌شود. حال اگر این رکن غایب «پدر» باشد، آن خانواده را خانواده مدرسرپرست می‌نامند. در جوامع امروزی به تبع افزایش آمار طلاق، تصادفات، بیماری‌ها و ... آمار خانواده‌هایی که مدرسرپرست هستند، افزایش یافته است؛ بیشتر مادران در این خانواده‌ها با مشکلات فراوانی مواجه هستند از جمله سرپرستی فرزندان به تنهایی، مشکلات اقتصادی زندگی، تنهایی و افسردگی و ناامیدی، و ... براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارهای مدرسرپرست بیش از ۲ میلیون و ۵۶۳ هزار خانوار است. در واقع، میزان سهم زنان در سرپرستی خانوارها در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۲/۱ درصد بوده است. همین آمار بالا، نشان دهنده این واقعیت است که توجه به مسائل خانواده‌های مدرسرپرست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا خانواده‌های مدرسرپرست اغلب نه تنها در درون خود با مسائل و مشکلات زیادی دست به‌گیران هستند بلکه برای جامعه نیز هزینه‌های مادی و معنوی زیادی تحمیل می‌کنند. بنابراین هرگونه اطلاعاتی که بتواند جامعه‌شناسان و پژوهشگران حوزه خانواده را در کاهش مسائل و مشکلات خانواده‌های مدرسرپرست یا پیشگیری از وقوع این پدیده، یاری کند درخور عنایت خواهد بود. یکی از عوامل کمک کننده در این خصوص کندو کاو و ریشه یابی و تحلیل این پدیده در عمق تاریخ و بازنمایی نمونه‌هایی از آن در قصه‌ها و داستان‌ها و افسانه‌هایی است که از قرن‌ها پیش

همچون آینه‌ای روشن شیوه زندگی و فرهنگ و هنر و آداب رسوم ملل را درخود منعکس کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به شاهنامه فردوسی اشاره نمود. شاهنامه، دایره‌المعارفی از اسطوره‌ها و تاریخ و افسانه‌های مردم ایران از زمان پیدایش نخستین انسان‌ها بر روی زمین تا پایان حکومت ساسانیان است که فردوسی آن‌را در اواخر قرن چهارم از منابع مختلف جمع‌آوری و در قالب مثنوی به روایت خود بازگو کرده است. شاهنامه فردوسی با توجه به اشتمال آن بر گستره‌ای وسیع از زمان و مکان، جمعیت زیادی را در خود جای داده است. این جمعیت در قالب خانواده‌هایی از طبقات مختلف جامعه جای گرفته‌اند. برخی از این خانواده‌ها به دلیل فقدان پدر، جزو خانواده‌های مادرسرپرست به‌شمار می‌روند. حضور این‌گونه خانواده‌ها در داستان‌های شاهنامه، فارغ از اسطوره‌ای، پهلوانی و یا تاریخی بودن آن‌ها، زمینه‌ای مناسب برای مطالعات میان‌رشته‌ای در مورد خانواده در جوامع گذشته فراهم ساخته است.

جامعه شاهنامه - به دلیل ماهیت حماسی آن - جامعه‌ای است پر از جنگ و کشتارهای بی‌امان. جنگ‌هایی که سبب مرگ مردان و پهلوانانی می‌شد که خود پدر خانواده بودند. با توجه به همین مسئله پژوهش حاضر با این فرض که، مادران سرپرستی بسیاری از خانواده‌ها را در شاهنامه فردوسی به عهده دارند، سعی خواهد کرد به این پرسش اصلی که چه تعداد از خانواده‌های شاهنامه را خانواده‌های مادرسرپرست تشکیل می‌دهند، و پرسش‌های دیگری از قبیل این‌که آیا خانواده‌های مادرسرپرست در نهایت به موفقیت و خوشبختی دست می‌یابند و یا گرفتار مشکلات و سختی‌هایی می‌شوند که عاقبت تلخی را برای آنها رقم می‌زند و اگر چنین است این مشکلات و گرفتاری‌ها چیست و چه علل و عواملی سبب بوجود آمدن این مشکلات در خانواده‌های مادرسرپرست شده است، با استفاده از روش تحقیق کیفی و تحلیل داده‌ها به روش توصیف فراوانی و فراوانی درصدی از نوع تاریخی، پاسخ دهد.

پیشینه تحقیق

در مورد زنان و مسائل مربوط به آن‌ها در شاهنامه فردوسی پژوهش‌های نسبتاً قابل توجهی صورت گرفته است از جمله حسین صفی و محمد نجاری مؤلفان کتاب زنان شاهنامه، ضمن تشریح نقش زن در حماسه سرایی و شاهنامه به معرفی زنان شاهنامه پرداخته و سرگذشت هریک از آن‌ها را شرح داده‌اند. جلال خالقی مطلق نیز در کتابی با عنوان زنان در شاهنامه تألیف کرده است. ایشان در فصل نخست به‌گونه‌ای فشرده مهم‌ترین زنان شاهنامه را برمی‌شمارد و

آن‌ها را با دیگر زنان در منابع باستانی و قرون وسطایی مورد مقایسه قرار می‌دهد در فصل دوم نیز به بررسی جایگاه زنان در شاهنامه می‌پردازد و مقام و نقش هرکدام از شخصیت‌های زن را در دوره‌های گوناگون زندگی آن‌ها مورد توجه و بررسی قرار می‌دهد. این تالیفات اگرچه هرکدام در نوع خود پژوهش‌های با ارزشی به‌شمار می‌آیند اما هیچ‌کدام از آن‌ها اشاره‌ای به مسائل و مشکلات زنان خانواده‌های «مادر سرپرست» نکرده‌اند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی و تحلیل داده‌ها به روش توصیف فراوانی و فراوانی درصدی از نوع تاریخی، با انتخاب شاهنامه فردوسی به عنوان نمونه آماری از از جامعه آثار ادبی ایران، سعی کرده است ابتدا آمار تمام خانواده‌های شاهنامه را با ملاک قرار دادن حداقل یک والد و یک فرزند استخراج کند؛ به این ترتیب حدود ۹۱ خانواده شناسایی و مشخص شد که زنان ۱۰ خانواده فاقد همسر، و خود، سرپرست خانواده می‌باشند. پس با فیش‌برداری از فرایند زندگی این زنان به روایت شاهنامه از دوران بارداری تا بلوغ فرزندان، به بساخت درون‌مایه اصلی مشکلات جسمی و روحی زنان در خانواده‌های «مادر سرپرست» در شاهنامه با زیرشاخه‌هایی نظیر: «دلیل فقدان پدر خانواده»، «دوران بارداری و وضع حمل»، «نام‌گذاری فرزند»، «تغذیه فرزند»، «مراقبت و تربیت فرزند»، «مادر به‌عنوان مشاور و راهنمای فرزند» و «مادران در مواجهه با سرنوشت نهایی فرزندان»، اقدام نمود.

مبانی تحقیق

با توجه به اینکه مبانی تحقیق در روش کیفی، از یک حوزه مطالعاتی شروع می‌شود، به‌همین منظور در پژوهش حاضر به ادبیات به عنوان یکی از حوزه‌های وسیع مطالعات جوامع بشری پرداخته شده است. ادبیات از جهت موضوعی، قلمرو وسیعی را دربر می‌گیرد و با دانش‌های متعددی در ارتباط است. اصولاً ادبیات درباره همه‌چیز بحث می‌کند: جوانی، پیری، مرگ، عشق، خانواده، اجتماع و به طور خلاصه زندگی با تمام تنوع و گوناگونی‌اش؛ پس مشکل می‌توان آن را در یک حوزه محدود کرد (ر.ک: رحمدل، ۱۳۸۷: ۲۸) از این رو روش‌های مختلفی را برای مطالعه و بررسی آن می‌توان به کار گرفت؛ یکی از این روش‌ها، مطالعاتی است که با رویکرد میان‌رشته‌ای صورت می‌گیرد.

رویکرد میان‌رشته‌ای در مطالعات ادبی را می‌توان در پژوهش‌های گوناگون مشاهده کرد که از

جمله آنها می‌توان به پژوهش‌هایی که در حوزه جامعه‌شناسی در ادبیات صورت می‌گیرد اشاره نمود. جامعه‌شناسی، خود یک رشته علمی فوق‌العاده گسترده است. از این جهت برای سهولت پرداخت به موضوعات مرتبط با این علم، آن را به دسته‌های مختلفی دسته‌بندی کرده‌اند، یکی از این حوزه‌ها، جامعه‌شناسی خانواده می‌باشد. جامعه‌شناسی خانواده شاخه‌ای تخصصی از جامعه‌شناسی عمومی است که موضوع مورد بحث آن عبارت است از مطالعه نهاد‌های خانواده و خویشاوندی و ازدواج، بررسی تاریخ تکوین تحول آن‌ها و کشف و بیان قانونمندی‌های حاکم بر حرکت و دگرگونی‌های نهاد‌های مذکور در طول تاریخ؛ (ر.ک: تقوی، ۱۳۷۹: ۳ و ۲) و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که ادبیات می‌تواند به کمک جامعه‌شناسی در مطالعات مربوط به خانواده بشتابد. متون ادبی به‌دقت توانسته‌اند مسائل خانواده را در جوامع بشری را با همه زوایای پنهان و آشکار آن از گذشته‌های بسیار دور تا امروز، در خود منعکس نمایند و از این جهت منبعی غنی برای مطالعات جامعه‌شناسی خانواده به‌شمار می‌روند. یکی از مسائلی که امروزه توجه پژوهشگران در حوزه خانواده را به‌خود جلب کرده، مسئله خانواده‌های تک‌سرپرست است. «خانواده‌های تک‌سرپرست یا تک‌والد یکی از مهم‌ترین گونه‌های خانواده آسیب‌پذیر به‌شمار می‌روند» (روغنجی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۴). «این خانواده‌ها، ساختار کاملی ندارند.» (زارع بهرام‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴) و همین امر یعنی نبود ساختار کامل در خانواده «آثار سویی از جنبه‌های تربیتی، روانی، عاطفی و... بر فرزندان بر جای می‌گذارد» (شیخی، ۱۳۸۰: ۵۰). این آسیب‌پذیری زمانی بیشتر می‌شود که والد فاقد، «پدر» و والد بازمانده و سرپرست، «مادر» باشد. براساس گزارش‌های رسمی در ایران، مرگ همسر و طلاق مهم‌ترین عوامل برای سرپرستی زنان، به‌شمار می‌روند (ر.ک: حمیدی، ۱۳۸۹: ۶۰-۵۱).

«زنان سرپرست خانوار زانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال سرپرستی خانواده را برعهده دارند و مسئولیت اداره اقتصادی خانواده و تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی بر عهده آنهاست» (فروزان و بیگلریان، ۱۳۸۲: ۳۸). «زنان سرپرست خانوار شامل زنان بیوه، مطلقه، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان مهاجر، زنان خودسرپرست، همسران مردان از کارافتاده و معلول‌اند» (حسینی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

بیشتر مادران در خانواده‌هایی که سرپرستی آنان بر عهده زنان است، مشکلات متعددی دارند

«از جمله سرپرستی فرزندان به‌تنهایی و گاه به‌سختی، مشکل اقتصادی زندگی، تنهایی و افسردگی و ناامیدی، همچنین نگرش غلط جامعه به زنان مطلقه و بیوه در نبود همسرانشان آنان را در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکل‌های مختلفی روبه‌رو می‌کند» (شهریاری و همکاران، ۳۹۲: ۳۰).

مادران علاوه بر ایفای نقش‌های مادری، که احمد به‌پژوه در مقاله خود تحت عنوان «نقش‌های مادر» به بخش‌هایی از این نقش‌ها اشاره دارد، (ر.ک: به‌پژوه، ۱۳۹۵: ۲) ناچار می‌شود نقش‌های پدر خانواده را نیز بر عهده بگیرد که این امر می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی هم برای مادر و هم فرزندان در پی داشته باشد. در این خانواده‌ها، مادران از سطح سواد پایین، مهارت و سرمایه نامناسب برخوردارند. فرزندان آن‌ها یکی از آسیب‌پذیرترین قشرهای جامعه‌اند که بقا و رشد آن‌ها مورد تهدید جدی قرار می‌گیرد. کودکان این خانواده‌ها ممکن است به انواع ناهنجاری‌های جامعه مبتلا شوند و از داشتن طبیعی‌ترین حقوق خود در جامعه مانند حق تحصیل، حق مسکن و از همه مهم‌تر حق کودکی کردن محروم شوند. آما تو با بررسی آسیب‌های فرزندان این خانواده‌ها بیان می‌دارد که فرزندان والدین مطلقه نسبت به خانواده‌های سالم از لحاظ پیشرفت تحصیلی، اعتماد به نفس، وجهه اجتماعی، برقراری ارتباط با دوستان، بدرفتاری، افسردگی و نگرانی و میزان سلامت جسمی در سطح پایین‌تری قرار داشتند (ر.ک: آما تو، ۲۰۰۱: ۳۷۳).

وجود آسیب‌های فوق‌بیانگر این واقعیت است که پدیده خانواده‌های «مادر سرپرست» در جامعه باید با حساسیت بیشتری مورد توجه و مطالعه قرار گیرد. یکی از منابعی که می‌تواند در تحلیل و ریشه‌یابی مسائل مربوط به خانواده‌های مادر سرپرست پژوهشگران در حوزه خانواده یاری کند، شاهنامه فردوسی است. زیرا شاهنامه مجموعه‌ای از سرنوشت و زندگی نسل‌های متمادی بشر است به‌همین دلیل می‌توان در آن «به چشم دایره‌المعارف فرهنگ پیش از اسلام نگریست» (سرامی، ۱۳۶۸: ۶۰۰). در شاهنامه خانواده‌های زیادی حضور دارند. برخی از این خانواده‌ها جزو خانواده‌های مادر سرپرست به‌شمار می‌روند.

بحث

اگرچه ذکر آمار دقیق از تعداد خانواده‌هایی که در شاهنامه به آن‌ها اشاره شده بسیار دشوار است اما با توجه به برخی اشارات به فرزندان یا والدین، حداقل می‌توان ۸۵ خانواده را شناسایی

نمود. از این ۸۵ خانواده، ۱۰ خانواده به صورت مادر سرپرست اداره می‌شود. مادران سرپرست این خانواده‌ها عبارتند از: فرانک، ماه‌آفرید، جریره، فرنگیس، تهمینه، ناهید، همای، یکی از زنان شبستان، دختر اردوان و زنی هوشمند.

فرانک

فرانک، همسر آبتین و مادر سه فرزند پسر به نام‌های کیانوش، پرمایه و فریدون است. همسر او به دست جلادان ضحاک کشته می‌شود. پس از مرگ همسر، شاهنامه در مورد دو فرزند بزرگتر فرانک و نحوه پرورش آن‌ها گزارشی نمی‌دهد. فرانک فرزندی را که هنگام مرگ همسرش باردار بود، در تنهایی به دنیا می‌آورد. اینکه چه کسی فریدون را نامگذاری می‌کند مشخص نیست (ر.ک: فردوسی، ج ۱، ۱۳۶۶: ۶۲). فرانک یکی از بهترین و مهربان‌ترین مادران شاهنامه است. او برای حفظ جان فرزندش فریدون، از دست دژخیمان ضحاک، او را از منطقه خطر دور کرده و به دست نگهبان مرغزار می‌سپارد و از او می‌خواهد که کودکش را با شیر گاو برمایه پیورود. و آنگاه که احساس می‌کند جان فرزندش دوباره به خطر افتاده، او را برداشته و به هندوستان می‌برد. پس از ماجرای کاوه آهنگر فریدون که اکنون ۱۶ ساله بود، نزد مادرش آمده در مورد پدر از او پرس‌وجو می‌کند. و پی می‌برد که پدرش آبتین، به دست ضحاک کشته شده است. فریدون تصمیم می‌گیرد همراه کاوه آهنگر با ضحاک به مبارزه برخیزد. فرانک فرزندش را به صبر و آرامش دعوت می‌کند زیرا او، با شناخت عمیقی که از ضحاک دارد به فریدون این نکته را گوشزد می‌کند که اگر در چنین شرایطی وارد عمل شود، حاصلی جز شکست و نابودی در پی نخواهد داشت. اما وقتی متوجه اراده فولادین فرزندش در مبارزه با ضحاک می‌شود او را دعا کرده و منتظر نتیجه این مبارزه می‌ماند و وقتی که خبر پیروزی فریدون را می‌شنود بسیار خوشحال شده ضمن دعا و نیایش به درگاه خدا، دارایی خود را به فقرا و فریدون می‌بخشد و زندگی خوشی را سپری می‌کند (ر.ک: همان: ۶۳-۹۱).

ماه‌آفرید

ماه‌آفرید «زنی از شبستان» ایرج و همسر اوست. ماه‌آفرید در حالی که باردار است، همسرش ایرج به دست برادران خود کشته می‌شود. ماه‌آفرید دوران بارداری را تحت حمایت پدر شوهر خود (فریدون) می‌گذراند و پس از به دنیا آوردن دخترش همچنان از حمایت فریدون برخوردار می‌شود (ر.ک: شاهنامه، ج ۱، ۱۳۶۶: ۱۲۵-۱۲۱). شاهنامه در مورد نحوه نامگذاری و تغذیه

فرزند اطلاعاتی به دست نمی‌دهد تا زمانی که دختر بزرگ شده و توسط فریدون همسری برای او انتخاب می‌شود. چنانکه از گزارش شاهنامه می‌توان برداشت نمود این است که ماه‌آفرید در به دنیا آوردن و بزرگ کردن فرزندش با مشکل خاصی مواجه نبوده است.

جریره

جریره دختر پیران، همسر اول سیاوش و مادر «فرود» است. سیاوش پس از ازدواج با همسر دیگر خود فرنگیس، او را در حالی که باردار بود، ترک می‌کند و او فرزندش فرود را در تنهایی و در فقدان همسر به دنیا می‌آورد (ر.ک: فردوسی، ج ۲، ۱۳۶۹: ۳۲۱). شاهنامه در مورد نحوه نامگذاری و پرورش فرود توسط جریره و حتی پدرجویی فرود تا آنگاه که فرود با لشکریان کیخسرو وارد جنگ می‌شود گزارشی نداده است. اما آن‌گاه که فرود درگیر جنگ با ایرانیان می‌شود نتیجه تربیت جریره را در وجود فرود می‌توان مشاهده نمود. چهره‌ای که در شاهنامه از فرود ارائه می‌شود، چهره‌ای بسیار مثبت است: پهلوان و جوانمرد؛ و این نیست مگر در سایه تربیت نیک جریره (ر.ک: فردوسی، ج ۳، ۱۳۷۱: ۵۴-۳۱). جریره در این هنگام به فرزندش سفارش می‌کند که با برادرش که پادشاه ایران است به کین‌خواهی پدر همراه شود و از نبرد با ایرانیان بپرهیزد. اما فرود ناخواسته درگیر جنگ با ایرانیان شده و کشته می‌شود. جریره با مشاهده مرگ فجیع فرزندش فرود، دست به خودکشی می‌زند و به این ترتیب عاقبت تلخی برای او رقم می‌خورد (ر.ک: همان: ۳۲-۵۴).

فرنگیس

فرنگیس دختر افراسیاب و همسر دوم سیاوش و مادر کیخسرو است. فرنگیس آن‌گاه که به کیخسرو باردار بود همسرش سیاوش به دست پدرش افراسیاب کشته می‌شود. او در همین حال، به جرم جانبداری از سیاوش به شدت مورد شکنجه قرار می‌گیرد تا فرزندش را سقط کند. اما با مبانجی‌گری پیران نجات می‌یابد و پس از تحمل سختی‌های زیاد فرزندش را به دنیا می‌آورد. فرنگیس خود مستقیماً در نام‌گذاری فرزندش نقشی ندارد؛ زیرا سیاوش قبل از مرگ، نام فرزند را پیشنهاد کرده بود. فرنگیس از ترس افراسیاب، فرزندش کیخسرو را به همراه دایه‌ای به دست شبانان می‌سپارد. پس از ده‌سالگی با مساعد شدن شرایط دوباره موفق به دیدار فرزندش می‌شود و سرپرستی و تربیت او را به عهده می‌گیرد. بعد از مدتی گیو، پهلوان ایرانی، پنهانی به توران آمده و کیخسرو را می‌یابد و از او می‌خواهد که با هم به ایران بروند فرنگیس وقتی از این

موضوع آگاه می‌شود به کیخسرو می‌گوید که افراسیاب نباید از آمدن گیو و قصد فرار ما آگاه شود. او سپس گیو و پسرش را در رسیدن به ایران همراهی می‌کند و پس از تحمل رنج‌های بسیار پسرش را به کیکاوس پدر سیاوش می‌رساند. فرنگیس از این به بعد به آسایش می‌رسد. او شاهد به تخت نشستن و سلطنت فرزندش می‌شود (ر.ک: فردوسی، ج ۲، ۱۳۶۹: ۳۶۴-۳۵۷) و بنا به روایتی به خواهش رستم با فریبرز ازدواج می‌کند. (ر.ک. ندوشن، ۱۳۴۸: ۶۵) و به این ترتیب داستان پراندوه و غصه فرنگیس به پایان می‌رسد.

تهمینه

تهمینه دختر شاه سمنگان همسر رستم و مادر سهراب است. رستم بلافاصله پس از ازدواج با تهمینه، او را در حالی که حامل یک فرزند است، رها کرده دنبال سرنوشت خود می‌رود. تهمینه دوران بارداری خود را بدون همسر می‌گذراند و در نهایت فرزند خود را بدون حضور همسرش به دنیا آورده و خود فرزندش را نام‌گذاری می‌کند. شاهنامه در مورد اینکه آیا مادر، خود در پرورش و تربیت سهراب تا ده سالگی نقش داشته یا نه، گزارشی نمی‌دهد. سهراب، آن‌گاه که به ده سالگی می‌رسد، از مادر، نام پدرش را جویا می‌شود. تهمینه پس از گشودن راز پدر بر فرزند، وقتی پافشاری پسر را در رفتن به جست‌وجوی پدر مشاهده می‌کند، او را هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی برای رسیدن به پدر یاری می‌کند (ر.ک: فردوسی، ج ۲، ۱۳۶۹: ۱۲۵). اما به او سفارش می‌کند که نباید افراسیاب بداند که تو فرزند رستم هستی. رستم نیز اگر بداند که فرزندی چون تو دارد، تو را از من جدا می‌کند (ر.ک: همان). در نهایت رستم با کشتن پسرش سهراب، او را برای همیشه از مادر جدا کرده و تهمینه را برای همیشه داغدار فرزند می‌کند (ر.ک. فردوسی ج ۲، ۱۳۸۶: پاورقی ۱۹۸) و نیز (ر.ک: جمشیدی، مدرسی، ۱۳۹۵: ۴۹-۶۷).

همای چهارزاد

همای، همسر بهمن و مادر داراب است. همسر او بر اثر کهولت سن می‌میرد و او را که باردار است به تنهایی اداره مملکت را به دست می‌گیرد. او به دلیل آشفتگی اوضاع مملکت و خطرات بسیاری که فرزند به دنیا نیامده او را در دربار تهدید می‌کند، به دنیا آوردن فرزند را از همه پنهان می‌سازد. و تا هشت ماه بدون اینکه نامی بر روی فرزندش بگذارد، برای او دایه‌ای گرفته، نزد خود نگه می‌دارد، و سپس او را با مقداری طلا و اشیای قیمتی در صندوقی نهاده به آب

می‌سپارد. فرزند همای (داراب) در نزد گازی بزرگ می‌شود؛ بنابراین همای تا زمانی که فرزند او جوانی برومند می‌شود هیچ نقشی در تربیت فرزند ندارد. داراب آن‌گاه که متوجه می‌شود گازی و همسرش پدر و مادر واقعی او نیستند از آن‌ها در مورد پدر و مادر واقعی خود پرس‌وجو می‌کند. و پس از آگاهی از والدین واقعی خود در نهایت موفق می‌شود مادر خود را بیابد. همای پس از رسیدن به فرزند خود، بسیار خوشحال می‌شود و سلطنت را به فرزند خود واگذار می‌کند (ر.ک: فردوسی، ج ۵، ۱۳۷۵: ۵۱۲-۴۸۷).

ناهید

ناهید دختر فیلیپ، پادشاه مقدونیه، همسر داراب پادشاه ایران و مادر اسکندر است. داراب پس از آگاهی از بیماری او در نهایت بی‌مهری، در حالی که حامل فرزندی است، او را به خانه پدری بازمی‌گرداند و پس از نُه ماه، به‌دور از همسر، فرزند خود را به دنیا می‌آورد (ر.ک: فردوسی، ج ۵، ۱۳۷۵: ۵۲۴-۵۲۳). ناهید، خود، فرزند خویش را نام‌گذاری می‌کند. شاهنامه در مورد پرورش و تعلیم و تربیت اسکندر تا دوران نوجوانی توسط ناهید، گزارشی نمی‌دهد. اما زمانی که اسکندر قصد می‌کند با روشنگر، دختر دارا ازدواج کند، در این هنگام ناهید از روم به اصفهان می‌آید تا از دختر خواستگاری کند (ر.ک: فردوسی ج ۶، ۱۳۸۴: ۶). اسکندر با وجود این‌که دور از پدرش دارا، در روم به دنیا می‌آید، اما شاهنامه هیچ گزارشی مبنی بر پدرجویی اسکندر گزارشی نمی‌دهد. ناهید در نهایت فرزندش را از دست می‌دهد و تا آخر عمر سوگوار می‌ماند (ر.ک: همان: ۱۲۷/۶).

دختر اردوان

دختر اردوان (اردوان پنجم)، همسر اردشیر بابکان و مادر شاپور است. او به دلیل اینکه قصد انتقام خون پدرش را داشته، در حالی که باردار بود، به مرگ محکوم می‌شود؛ اما وزیر او را دور از چشم اردشیر پناه می‌دهد. دختر اردوان فرزند خود را بدون این‌که همسری در کنارش باشد به دنیا می‌آورد و این وزیر - بدون اینکه دختر اردوان در نام‌گذاری فرزند خویش نقشی داشته باشد - برای کودک نام شاپور را انتخاب می‌کند. اگرچه در مورد پرورش کودک توسط دختر اردوان در شاهنامه هیچ‌گونه گزارشی مشاهده نمی‌شود اما بنا به گفته وزیر، مادر شاپور مربی او بوده است. این مادر در نهایت مورد عفو همسر قرار گرفته و شاهد تاجگذاری فرزندش می‌شود و عاقبت خوشی برای او در زندگی رقم می‌خورد (ر.ک: فردوسی، ج ۶، ۱۳۸۴: ۲۰۳-۱۹۶).

یکی از زنان شبستان (همسر اورمزد نرسی)

«زنی از زنان شبستان» همسر اورمزد نرسی و مادر شاپور ذوالاکتاف است. او درحالی که باردار است، همسر خود را ازدست می‌دهد. پس از مرگ همسر، دوران بارداری این زن در ناز و نعمت می‌گذرد زیرا کودکی که او در شکم داشت تنها وارث سلطنت بود و به همین دلیل بزرگان مملکت پس از مرگ اورمزدنرسی، از او مراقبت می‌کنند. پس از تولد کودک، بزرگان دربار، کودک را نامگذاری کرده چندین دایه برای تغذیه او می‌گیرند. در شاهنامه ابتدا بدون این‌که گزارشی از پرورش و تربیت کودک (شاپور) توسط مادر ارائه شود مستقیماً به پنج‌ساله شدن او اشاره می‌شود؛ اما پس از پنج‌سالگی، وقتی مادر متوجه هوش و استعداد فرزندش می‌شود ضمن خوشحالی از این موضوع مریبان ویژه را برای آموزش او دعوت می‌کند. این زن در نهایت شاهد به سلطنت رسیدن فرزندش می‌شود. (ر.ک: فردوسی، ج ۶، ۱۳۸۴: ۲۹۲-۲۸۶)

همسر جمهور و مای (زنی هوشمند)

«زنی هوشمند» از همسر اول خود (جمهور) یک پسر به نام «گو» دارد. او پس از مرگ همسر اول، از همسر دوم خود (مای) نیز صاحب یک پسر به نام طلخند می‌شود. همسر دومش «مای» نیز پس از مدتی می‌میرد و مادر مسئولیت دو فرزند را بر عهده می‌گیرد. این زن هوشمند نقشی در نام‌گذاری فرزندان خود ندارد. او پس از مرگ همسران، تمام سعی خود را در مورد تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرد؛ او دو موبد انتخاب می‌کند و آموزش فرزندانش را به این دو موبد می‌سپارد. فرزندان پس از اینکه بزرگ می‌شوند، هر دو ادعای جانشینی پدر خود را دارند و همین امر مادر را دچار چالش می‌کند و او مجبور می‌شود برای برقراری صلح بین دو فرزند، مدام آنان را با وعده و وعید به آرامش دعوت کند اما موفق نمی‌شود تا اینکه بین فرزندان جنگ درمی‌گیرد. در نهایت پسر کوچکتر (طلخند) خارج از صحنه جنگ و به اجل خود می‌میرد و مادر پس از مشاهده مرگ فرزند، برای تسکین درد خود، تا آخر عمر به بازی شطرنج روی می‌آورد (ر.ک: فردوسی، ج ۷، ۱۳۸۶: ۲۱۲-۲۵۵).

با تجزیه و تحلیل داده‌های فوق یافته‌های پژوهش را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:
از مجموع ۸۵ خانواده شناسایی شده در شاهنامه، ۱۰ خانواده، مادر سرپرست‌اند؛ یعنی در شاهنامه، نزدیک به ۱۲٪ زنان متأهل، سرپرست خانواده‌اند.
۹۰٪ زنان درست هنگامی که همسر خود را به هردلیلی از دست می‌دهند و یا توسط همسر

رانده یا ترک می‌شوند، باردارانند.

«مرگ پدر خانواده» با ۶۰٪ (در مورد ماه‌آفرید، فرانک، فرنگیس، زنی هوشمند، همای، مادر شاپور)، «طرد مادر باردار از خانواده توسط پدر» با ۲۰٪ (در مورد ناهید و دختر اردوان) و «ترک خانواده از سوی پدر» با ۲۰٪ (در مورد ته‌مین و جریره) از عوامل به‌وجودآورنده پدیده مادر سرپرستی در شاهنامه شناخته شد.

از مجموع ۱۰ زنی که سرپرست خانواده بودند، ۴ زن (فرنگیس مادر کیخسرو، همای چهارزاد مادر داراب، ناهید مادر اسکندر و دختر اردوان مادر شاپور) یعنی ۴۰٪ زنان سرپرست خانواده دوران بارداری سختی را گذرانده‌اند.

۹۰٪ زنان سرپرست خانواده صاحب فرزند پسر بودند.

از مجموع ۱۰ زن سرپرست خانواده، فقط ته‌مین و ناهید (۲۰٪) فرزندشان را خود نام‌گذاری کرده‌اند. و این در حالی است که همسران هر دو در قید حیات بودند. (ته‌مین ترک شده و ناهید طرد شده بود).

از مجموع ۱۰ مورد زن سرپرست خانواده فقط یک مورد (زنی هوشمند) درحالی که صاحب فرزند کوچکی بوده ازدواج مجدد کرده است.

در مورد نقش زنان سرپرست خانواده در رشد و تربیت فرزند در شاهنامه، از مجموع ۱۰ مورد: ۱ مورد (ماه‌آفرید) هیچ نقشی در رشد و تربیت فرزند خود نداشت. ۴ مورد (ناهید، دختر اردوان، مادر شاپور و همای) نقش کم‌رنگ‌تری در پرورش و تربیت فرزندان خود دارند. ۵ مورد (فرانک، جریره، فرنگیس، ته‌مین و زنی هوشمند [زن جمهور]) نقش بسیار پررنگی در رشد و تربیت فرزندان خود داشتند و سختی‌های بسیاری را در زندگی برای رشد و تربیت فرزندان متحمل شده‌اند؛ بنابراین ۵۰٪ از مادر سرپرستان در سخت‌ترین شرایط به پرورش و تربیت کودکان خود ادامه داده‌اند.

در مورد مشاوره و راهنمایی فرزند توسط مادر از مجموع ۱۰ مورد، فقط مادرانی که نقش اساسی در رشد و تربیت فرزند خود داشتند (فرانک، جریره، فرنگیس، ته‌مین و زنی هوشمند [زن جمهور]) از راهنمایی و مشاوره فرزندان نیز فروگذاری نکرده‌اند. یعنی ۵۰٪ از مادران در مشاوره و راهنمایی فرزند خود نقشی اساسی داشته‌اند.

از مجموع ۱۰ زن سرپرست خانواده، ۶ زن شاهد پیروزی و موفقیت فرزندانشان بودند (ماه‌آفرید، فرانک، همای چهارزاد، دختر اردلان، فرنگیس، مادر شاپور) و این مادران سرنوشت نهایی خوبی داشتند درحالی که ۴ مادر شاهد مرگ فرزندان خود بودند؛ که از این ۴ مادر، ۱ مادر (جریره) عاقبت در کنار جسم بی‌جان فرزندش، خودکشی می‌کند و ۳ مادر (تهمینه، ناهید و زنی هوشمند) تا آخر عمر عزادار می‌مانند. بنابراین ۴۰٪ زنان مادرپرست شاهنامه زندگی سخت و عاقبتی تلخ، گاه تا حد خودکشی را در زندگی تجربه می‌کنند.

از مجموع ۱۰ خانواده مادرسرپرست، فرزندان ۳ خانواده جویای کیستی پدر خویش از مادران (داراب، سهراب و فریدون). برخوردار فرزندان در این مورد با مادر چندان مؤدبانه نیست.

نتیجه‌گیری

از مجموع یافته‌های پژوهش حاضر، مشخص شد که نزدیک به ۱۲ درصد از خانواده‌های شاهنامه را خانواده‌های مادرسرپرست تشکیل می‌دهند. این آمار، مشابهت معناداری با آماری که در سال ۱۳۹۰ توسط مرکز آمار ایران گزارش شده است، دارد. طبق این گزارش ۱۲/۱ درصد خانواده‌های ایران توسط مادران سرپرستی می‌شوند.

همچنین این پژوهش نشان داد که حدود ۴۰٪ از خانواده‌های مادرسرپرست با شکست و ناکامی در زندگی مواجه شده‌اند.

سه عامل مهم «نبودن مادر در کنار فرزند و عدم حمایت او از فرزند»، «ازدواج مجدد مادر و فرزندآوری او از همسر دوم» و «طرد و یا ترک خانواده توسط پدر» از عوامل شکست و ناکامی خانواده‌های مادرسرپرست در شاهنامه شناسایی شد.

اغلب زنان سرپرست خانواده درست‌هنگامی که همسر خود را به هر دلیلی از دست داده‌اند باردار بودند و فرزندان هم که به دنیا آورده‌اند اغلب پسر بودند. پسران در این خانواده‌ها هنگام پرسش از کیستی پدر خود، رفتار مناسبی با مادر نداشته و در نهایت نیز با به کشتن دادن خود، مادر را برای همیشه در عزای مرگ خود می‌نشانند.

منابع

کتاب‌ها

- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۹) *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۹۵) *زنان در شاهنامه*، مترجم احمد بی‌نظیر، تهران: انتشارات مروارید.

سرآمی، قدمعلی (۱۳۶۸) *از رنگ گل تا رنج خار (شکل‌شناسی قصه‌های شاهنامه)*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۶) *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، جلد ۱، نیویورک: ناشر
Bibliotheca Persica

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹) *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، جلد ۲، نیویورک: ناشر
Bibliotheca Persica

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۱) *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، جلد ۳، نیویورک: ناشر
بنیاد میراث ایران.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۵) *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، جلد ۵، نیویورک: ناشر
بنیاد میراث ایران.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۴) *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، جلد ۶، نیویورک: ناشر
بنیاد میراث ایران.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶) *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، جلد ۷ و ۸، تهران: ناشر
مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

مقالات

اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۴۸). مردان و زنان شاهنامه. یغما، ۲۲ (۲۴۸)، ۶۵-۵۷.
به پژوه، احمد. (۱۳۹۵). نقش‌های مادر. همایش ملی جایگاه و نقش مادر در دانشگاه شیراز،
۱۰-۱.

جمشیدی، زهرا، مدرسی، فاطمه، و کوشش، رحیم. (۱۳۹۵). تجلی خویشکاری‌های زن در
نوحه‌ها و مویه‌های زنان شاهنامه. *نشرپژوهی ادب فارسی*، ۱۹ (۴۰)، ۶۸-۴۹. doi: 10.22103/jll.
2016.1574

حسینی، سیداحمد، فروزان، ستاره، و امیرفریار، معصومه. (۱۳۸۸). بررسی سلامت روان زنان
سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر تهران. *پژوهش اجتماعی*، ۲ (۳)،
۱۳۷-۱۱۷.

رحمدل، غلامرضا، فرهنگی، سهیلا. (۱۳۸۷). پژوهش‌های میان رشته‌ای در مطالعات ادب
فارسی، *پژوهش‌های ادبی*، ۵ (۲۱)، ۲۳-۱۴. doi: 20.1001.1.17352932.1387.5.21.3.1.14-23

روغنچی، محمود، جزایری، رضوان السادات، اعتمادی، عذری، فاتحی‌زاده، مریم، و مومنی، خدامراد. (۱۳۹۶). واکاوی آسیب‌های خانواده‌های مادر سرپرست: یک پژوهش کیفی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۸(۳۱)، ۵۳-۷۸. doi: 10.22054/qccpc.2017.25565.1624

زارع بهرام آبادی، مهدی، زهرا کار، کیانوش، صلحیان بروجردی، حانیه، و محمدی‌فر، محمدعلی. (۱۳۹۲). اثربخشی برنامه بهبود بخشی ارتباط بر کیفیت رابطه والد-فرزندی در نوجوانان دختر خانواده‌های تک والدینی مادر سرپرست. روان‌شناسی بالینی، ۵(۲)، ۱۴-۲۴. doi: 10.22075/jcp.2017.2123

شهریاری، عزت، سعادت‌مند، زهره، فاتحی‌زاده، مریم‌السادات، و محققیان، شهناز. (۱۳۹۲). بررسی نیازهای آموزشی زنان سرپرست خانوار شاغل فرهنگی آموزش و پرورش. زن و جامعه، ۴(۳)، ۲۹-۴۵.

فروزان، ستاره، و بیگلریان، اکبر. (۱۳۸۲). زنان سرپرست خانوار: فرصت‌ها و چالش‌ها. زن در توسعه و سیاست، ۱(۵)، ۳۵-۵۸.

منابع لاتین

Amato .P. R. (2001). Children of divorce in the 1990s: an update of the Amato and Keith (1991) meta-analysis. *family psychology*, 15(3).3-55.

References

Books

Ferdowsi, Abolghasem (1988) *Shahnameh*, Edited by Jalal Khaleghi Motlagh, volume 1, New York: Publisher of the Bibliotheca Persica. [In Persian]

Ferdowsi, Abolghasem (1991) *Shahnameh*, Edited by Jalal Khaleghi Motlagh, volume 2, New York: Publisher of the Bibliotheca Persica. [In Persian]

Ferdowsi, Abolghasem (1993) *Shahnameh*, Edited by Jalal Khaleghi Motlagh, volume 3, New York: Publisher of the Bibliotheca Persica. [In Persian]

Ferdowsi, Abolghasem (1997) *Shahnameh*, Edited by Jalal Khaleghi Motlagh, volume 5, New York: Publisher of the Bibliotheca Persica. [In Persian]

Ferdowsi, Abolghasem (2006) *Shahnameh*, Edited by Jalal Khaleghi Motlagh, volume 6, New York: Publisher of the Bibliotheca Persica. [In Persian]

Ferdowsi, Abolghasem (2008) *Shahnameh*, Edited by Jalal Khaleghi Motlagh, volume 7&8, New York: Publisher of the The Great Islamic Encyclopedia Center.

Khaleghi Motlagh, Jalal (2016) *zanan dar shahnameh (Women in the Shahnameh)*, Trans. Ahmad Binazir, published by Morvarid. [In Persian]

Sarrami, Ghadamali (1988) *From the color of flowers to the suffering of thorns*, Tehran: Tehran Scientific and cultural publications. [In Persian]

Taqavi, Nematullah (2000) *Sociology of Family*, Tehran: Payame Noor University. [In Persian]

Articles

Beh Pajoo, A. (2016). The Roles of Mother. *National Conference on the Status and Role of Mothers Shiraz University*, 1-10. [In Persian]

Forouzan, S., & Biglerian, A. (2003). Women in development & politics. Women, heads of households: opportunities and challenges. *Woman in development & politics*, 1(5), 35-58. [In Persian]

Hosseini, S. A., Forozan, S., & Amirfaryar, M. (2009). Studying women mental health, as householders supported By Welfare organization of Tehran. *Social Research*, 2(3), 117-137. [In Persian]

Islami Nodoshan, M. A. (2005). Men and women of Shahnameh. *Yaghma*, 22(248), 65-57. [In Persian]

Jamshidi, Z., Modaresi, F., & Koushesh, R. (2016). Manifestation of female functions in the lamentations and dirges of women in Shahnameh. *Prose Studies in Persian Literature*, 19(40), 49-68. doi: 10.22103/jll.2016.1574 [In Persian]

Rahmdel, Q. R., Soheila F. (2008). Interdisciplinary researches in Persian literary studies. *LIRE*, 5(21) :23-44. dor: 20.1001.1.17352932.1387.5.21.3.1. [In Persian]

Roghanchi, M., Jazayeri, R., Etemadi, O., Fatehizade, M., & Momeni, K. M. (2017). Exploration of the pathologies in mother-Headed families. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 8(31), 53-78. doi: 10.22054/qccpc.2017.25565.1624. [In Persian]

Shahriari, E., Saadatmand, Z., Fatehi Zade, M.S., & Mohagheghian, Sh. (2013). An Investigation of training needs of household women In Isfahan Cultural Education. *Women and Society*, 4(3), 45-29. [In Persian]

Zare Bahramabadi, M., Zaharakar, K., Salehian Broojerdi, H., & Mohammadifar, M. (2013). The effectiveness of relationship enhancement program on quality of parent-child relationship in mothers who are heads of household in single-parent families. *Clinical Psychology*, 5(2), 14-24. doi: 10.22075/jcp.2017.2123. [In Persian]

Latin References

Amato .P. R. (2001). Children of divorce in the 1990s: an update of the Amato and Keith (1991) meta-analysis. *family psychology*, 15(3).3-55.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 15, Number 57, Fall 2023, pp. 293-309

Date of receipt: 18/1/2022, Date of acceptance: 1/6/2022

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.1949871.2413](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1949871.2413)

Analysis of Mother-headed Family Issues in Ferdowsi's *Shahnameh*

Pashang Delavari¹, Dr. Mahdi Kargar², Dr. Khosro Jalili Kohne Shahri³, Dr. Bahram Khoshnoudi⁴

Abstract

In Firdausi's *Shahnameh* there are numerous families with their siblings where in the absence of father, the mother takes the responsibility. The presence of these families regardless of their mythological, heroic, or historical backgrounds has paved the way for interdisciplinary researches to recognize and unearth their issues and predicaments.

Considering the significance of this issue, the present research is an attempt to introduce "mother-headed" families in *Shahnameh*, and answer the question of what issues and problems these "mother-headed" families have encountered in *Shahnameh* which has led to their failures relying on qualitative data analysis and frequency of historical data. The results of this study shows that the number of "mother-headed" families in *Shahnameh* with a frequency of %11.76 is significantly close to the report provided by the Statistics Center of Iran in 2011 of the number of "mother-headed" families (12%). It was also found that families who were rejected or abandoned by their fathers were more affected than those who lost their fathers. Other causes of failure in the mother-headed families were identified as "the mother remarrying and having children with her second spouse," as well as "the mother's absence from the child and her lack of support for the child."

Keywords: Mother-headed, Family, *Shahnameh*, Siblings, Interdisciplinary studies.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ . Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran. Pashing.delavari@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Ancient Culture and Languages, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran. Ma.kargar@iau-astara.ac.ir

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran. (Corresponding author) Kh.Jalili@iau.ac.ir

⁴ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran. b.khooshnodi@iau-astara.ac.ir